

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پنج رازی که هر کس قبل از مرگ باید بداند

نویسنده:

جان ایزو

مترجم:

سمانه فلاح



انتشارات طاهریان

سرشناسه: ایزو جان بیپتیست- ۱۹۵۷ م.

(Izzo, John B. (John Baptist

عنوان و نام پدیدآور: پنج رازی که هر کس قبل از مرگ باید بداند/نویسنده جان ایزو: مترجم سمانه فلاح.

مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص: ۲۱۵/۱۴ م.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۲۸-۸ ریال ۸۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The five secrets you must discover before you die.

موضوع: خودسازی

موضوع: موفقیت

شناسه افزوده: فار، سمانه، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ الف ۶۲۷/۷ BF ۶۲۷

رده بندی دیویی: ۱۰۷/۲۲

شماره کارشناسی ملی: ۲۱۹۵۹۱



انتشارات طاهریان

«پنج رازی که هر کس قبل از مرگ باید بداند»

• مترجم: سمانه فلاح

• ناشر: انتشارات طاهریان • نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۳۹۲ • تیراژ: ۲۱۰۰ جلد

• طرح جلد: آرزو خسروپور • قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۲۸-۸

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۴۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱

تلفن: ۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲

برای خرید هریک از مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت در حداقل زمان ممکن، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳ ارسال کنید تا ما جهت ثبت و ارسال سفارش با شما تماس بگیریم. هزینه ارسال کتاب با پست سفارشی در سراسر ایران رایگان می‌باشد.

فهرست:

فصل ۱: چرا برخی از مردم حقیقت مرگ را به آسانی در می‌یابند و با شادمانی می‌میرند؟

دانش در برابر دانایی ۱۹
دو چیزی که ما بیشتر از هر چیز دیگری به آنها نیاز داریم ۲۳
آیا موضوعاتی که ما در بی‌شان هستیم واقعاً رازهای زندگی هستند؟ ۲۶

فصل ۲: چرا ما هر قشری از مردم را مورد آزمایش قرار دادیم؟

چگونه باید افراد آگاه را انتخاب کنیم؟ ۳۱
ارزش مصاحبت و هم‌نشینی با افراد مسن ۳۴
چرا افراد بالای شصت سال معمولاً قابل اعتمادتر هستند؟ ۴۰

فصل ۳: اولین راز زندگی: با خود صادق باشید

در زندگی هوشیار باش ۴۵
سه سؤال کلیدی ۴۷
آیا شما نیز فرصت‌های مناسب زندگی‌تان را از دست داده‌اید؟ ۵۰
چگونه سرنوشت خود را حدس بزنیم؟ ۵۳
به حرف دل گوش دادن جرأت می‌خواهد ۶۲
گاهی زندگی ما را مجبور می‌کند که شنونده باشیم ۶۸

فصل ۴: دومین راز زندگی: افسوس گذشته را نخورید

چه کنیم که هرگز پشیمان نشویم ۸۳
راهی را انتخاب کن که از تو بهترین می‌سازد ۸۷

پشیمانی‌ها بهترین بهانه برای شروع زندگی دوباره هستند..... ۹۱

فصل ۵: سومین راز زندگی: عاشق شوید

از میان همهٔ موارد عشق را انتخاب کنید..... ۹۸

عشق را در الویت قرار دهید..... ۱۰۶

سعی کنید با شادمانی به ملاقات یکدیگر بروید..... ۱۱۴

فصل ۶: چهارمین راز زندگی: در لحظه زندگی کنید

هر لحظه آماده باشید..... ۱۲۹

هر روز از زندگی یک نعمت است..... ۱۳۰

طوری زندگی کنید که انگار لحظه‌ی پایانی زندگی‌تان است..... ۱۳۲

زمان حال نیز به کوتاهی یک لحظه است..... ۱۳۴

ذهن‌مان را برای دریافت و ثبت شادی‌ها آماده کنیم..... ۱۳۹

فصل ۷: پنجمین راز زندگی: بیشتر از آنچه می خواهید به دیگران

بخشید

مراسم تدفین شما ده دقیقه طول می‌کشد یا ده ساعت؟..... ۱۴۷

مهم‌ترین امر در زندگی: عاشق خودتان شوید..... ۱۵۲

فصل ۸: اگر بدانید دنیا را ترک می‌کنید شوق بیشتری برای تمرین رازهای

زندگی پیدا خواهید کرد

دانستن موضوعات مختلف سخت نیست..... ۱۶۶

چگونه می‌توان زندگی خود را تغییر داد..... ۱۶۸

ما باید به پیشرفت‌ها دقت کنیم..... ۱۷۰

گاهی می توان اعمال تغییرات را با پرسش یک سوال آغاز کرد.....۱۷۵
زمانی که همه با هم تغییر کنیم، به بهترین تغییرات دست پیدا خواهیم کرد.....۱۷۵
اهداف ما در زندگی چیست؟ آیا روش خاصی را در زندگی دنبال می کنی؟.....۱۷۷

فصل ۹: خودتان را برای مرگ آماده کنید! افراد شاد از مرگ نمی ترسند

فصل ۱۰: درس آخر هیچ زمانی برای به کار بردن رازها در زندگی دیر نیست

فصل ۱۱: رازهای زندگی در یک جمله

www.ketab.ir

مقدمه:

مقدمه‌ی این کتاب پنجره‌ای از دنیای درونی زندگی نویسنده‌ی آن است با خواندن چنین جمله‌ی کوتاهی ممکن است دو سوال در ذهن شما به وجود آید که چرا نویسنده، چنین کتابی را با گوشه‌ای از زندگی شخصی و خصوصی خود آغاز کرده است؟ و دیگر اینکه پیشهاد او برای استفاده‌ی بهینه از مطالب این کتاب چیست؟

قبل از اینکه شما این کتاب را به دست بگیرید ما این سوال را از نویسنده‌ی کتاب پرسیدیم، او این چنین پاسخ داد: با نگارش این کتاب خواستم معنای واقعی زندگی را به دست آورم. هنگامی که خیلی جوان بودم، همیشه دوست می‌داشتم راز زندگی شاد و سعادتمند را کشف کنم. به موسیقی‌های فراوانی گوش می‌دادم و فیلم‌های گوناگونی را تماشا می‌کردم و از بیشتر اتفاقاتی که در زندگی‌ام می‌افتادند، لذت می‌بردم. بیشتر از همه قصد داشتم قبل از آنکه بمیرم بدانم زندگی چیست و چه خاصیتی دارد. در سن هشت سالگی هنگامی که پدرم از دنیا رفت، حس قوی‌تری برای شروع تحقیقاتم در من به وجود آمد. پدرم ۳۶ ساله بود و زندگی کوتاهی را پشت سر گذاشت، اما هرگز نمی‌دانست که رازهای فراوانی بوده‌اند که او با بی‌خبری از آنها دنیا را ترک کرد.

در مرحله‌ی اول زندگی‌ام فقط شانس نفس کشیدن و گذراندن روزهای عمر را داشتم و تولد و مرگ افراد گوناگونی را از نزدیک دیدم. در طول مراحل زندگی‌ام افراد مختلفی به دنیا می‌آمدند و پس از چند سال زندگی با احساس پشیمانی از گناهان و یا رضایت کامل

دنیا را ترک می‌کردند. سرانجام در سن بیست سالگی تصمیم گرفتم که برای شناخت بهتر زندگی و نقش انسان‌ها در آن، افراد را به چند گروه مختلف تقسیم کنم.

سالها پیش خانم میانسالی به نام مارگارت خواست تا از زندگی‌اش برایم حرف بزند. تنها جمله‌ای که از زبان او شنیدم و نظر مرا جلب کرد این بود: من تمام عمرم را روی یک صندلی در بالکن خانه‌ام گذراندم. هنگامی که او دید با شنیدن این جمله‌اش تعجب کردم درباره‌ی آن بیشتر توضیح داد. او می‌گفت هرگاه که می‌خواستم درباره‌ی موضوع مهمی تصمیم‌گیری کنم به بالکن خانه‌ام می‌رفتم و روی صندلی آن می‌نشستم و فکر می‌کردم. او آنقدر زیبا توضیح می‌داد که من هم توانستم تصویر نشستن یک خانم میانسال روی یک صندلی در بالکن خانه را در ذهنم تجسم کنم.

با شنیدن صحبت‌های خانم مارگارت ایده‌ای در ذهنم جوانه زد. آیا می‌توان در آخرین روزهای عمر به رازهای مهم زندگی دست یافت؟ آیا در همین چند روز پایانی می‌توان از رازهای زندگی به بهترین شکل استفاده کرد؟ اگر ما چند راه موثر در زندگی را بیابیم و حتی در آخرین ساعات باقی مانده عمر از آنها استفاده کنیم، به معنای آن است که نهایت استفاده از زندگی را برده‌ایم و چند روز شاد ریستن برای تمام عمر کافی است؟!

هنگامی که به مسافرت می‌روم، هتلی را از طریق سایت‌ها در اینترنت رزرو می‌کنم. می‌دانم قبل از آنکه من به آنجا بروم، هزاران نفر چند روزی را در اتاق‌های هتل گذرانده‌اند. با این وجود موارد زیادی

برای مصاحبه با مهمانان هتل در دسترس دارم. نه تنها من بلکه تمامی مردم دنیا و حتی مهمانان هتل‌ها می‌دانند که زندگی در کنار گوه‌رهای ارزشمند دارای عواقب ناگواری است و بیشتر افراد تلاش می‌کنند که در کنار رویارویی با حوادث ناگوار زندگی به ذات ارزشمند آن دست پیدا کنند. در حقیقت دستیابی به ذات ارزشمند زندگی باعث می‌شود زندگی شاد داشته باشیم با شادمانی دنیا را ترک کنیم.

من معتقدم اگر بتوانم به صحبت‌های افراد گوناگون درباره‌ی معنای واقعی زندگی گوش کنم، قطعاً به رازهای گوناگونی دست پیدا می‌کنم. تنها در این حالت است که رازهای زندگی، خودشان را نمایان می‌کنند. پس از گذشت سال‌های طولانی تصمیم گرفتم از افراد میان‌سالی که چندین سال است از زندگی‌شان می‌گذرد و معنا و مفهوم تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی را درک کرده‌اند، در تحقیقاتم استفاده کنم. بنابراین مصاحبه‌ای ترتیب دادم تا به افراد گوناگون فرصتی بدهم تا درباره‌ی چیزهایی که در زندگی کسب کردند صحبت کنند.

کاملاً مشخص است که هر کسی در هر جایگاهی از زندگی دارایی‌هایی دارد، گاه مادی گاه معنوی اما نظر و عقیده‌ی آنها درباره‌ی استفاده از دارایی‌ها در زندگی کاملاً متفاوت می‌باشند. این همان چیزی است که من سال‌ها به دنبالش بوده‌ام.

برای انجام اولین تحقیقاتم سوالاتی را طرح کردم تا از ۱۵۰۰۰ مسافری که به ایالات متحده آمریکا و کانادا آمده بودند، بپرسم

نخستین سوالات من این بودند که چه کسی از عاقلانه‌ترین روش‌ها برای پیشبرد زندگی خود استفاده کرده است؟ مهمترین درسی که از زندگی گرفته‌اید، چیست؟ می‌دانستم که جواب سوالاتم بسیار بحث برانگیز خواهند بود. چون محال است که افراد پاسخ‌های مشابهی بدهند. حدود ۱۰۰ نفر از افراد به طور داوطلبانه خواستند که به این سوالات جواب دهند. اگر چه پاسخ سوالات فوق برایم مهم بودند اما ترجیح می‌دادم که از افراد بخواهم تا داستان کوتاهی از زندگی‌شان را برایم توضیح دهند تا با نوع طرز فکر آنها نیز آشنا شوم.

گروه سنی افراد پاسخگو میان ۱۰۵ - ۵۹ ساله بودند و اکثر آنها از آمریکایی جنوبی آمده بودند. به دلیل وجود افراد با ملیت‌های مختلف تصمیم گرفتم که به فرهنگ، نوع اخلاق‌های فردی، مذهب، جغرافیایی منطقه‌ی زندگی و وضعیت شغلی آنها کمتر توجه کنم و بیشتر به دنبال کشف روش‌های زندگی آنها باشم. بیشتر افراد تصور می‌کردند که این تحقیق فقط برای افراد مشهور و مرفق جامعه می‌باشد. و هنگامی که متوجه شدند، این طور نیست و خودشان هم گزینه‌های خوب و مناسبی برای مصاحبه هستند، بسیار خوشحال شدند. افراد مختلف با شغل‌های گوناگون نظیر آرایشگر، معلم، تاجر، نویسنده، شاعر و کشیش با مذاهب یهودی، مسیحی، بودایی و حتی مسلمان داوطلب شدند که به عنوان نمونه‌ی تحقیقاتی به سوالات من پاسخ دهند. با دسترسی به افراد گوناگون حس شادمانی بیشتری نسبت به قبل داشتم و می‌دانستم پس از مقایسه و بررسی پاسخ‌ها به حقایق بزرگی دست خواهم یافت. اولین سوالاتی که از آنها پرسیدم، این بود

که چه رازهایی در زندگی وجود دارند که ما قبل از مرگ باید آنها را بدانیم؟

چه کسی می‌تواند بزرگترین درس زندگی را به ما یاد دهد؟

افراد خواستند تا برای پاسخگویی به این دو سوال به مدت یک الی سه ساعت صحبت کنند و به بهترین شکل مرا متقاعد نمایند. تصمیم گرفتیم برای قضاوت صحیح دربارهٔ پاسخ‌های سوالات از دو دوست دیگر به نام اولیویامک ایور و لس لی نایت کمک بگیریم و لیست سوالاتی را که قرار بود از افراد بپرسیم، تهیه کردیم. (این لیست در انتهای این کتاب ارائه شده است)، سوالاتی نظیر چگونه می‌توان به بیشترین نشاط و شادمانی در زندگی دست یافت؟ تاکنون چند بار در زندگی‌تان احساس پشیمانی کرده‌اید؟ چه حوادثی در زندگی اتفاق افتادند که باعث شدند شما از مسیر اصلی زندگی خود خارج شوید؟ زندگی شما از همان ابتدا مسیری داشته یا هنوز هم در بیراهه راه خود را طی می‌کنند؟ در زندگی خود در انتظار چه چیزی بوده، هستید و خواهید بود؟ در ابتدای این لیست قرار گرفته بودند.

البته این کتاب دارای چهار بخش اصلی می‌باشد. بخش اول به ما برای شناسایی روش‌های موثر در انتخاب نوع زندگی کمک می‌کند. بخش دوم درباره‌ی پنج راز مهمی که هر انسانی باید قبل از مرگ آنها را بداند، توضیح می‌دهد. در این بخش حدود ۲۳۵ نفر به سوالات ما پاسخ دادند. بخش سوم روش‌های استفاده از پنج راز در زندگی و برخورداری از زندگی بهتر و سالم‌تر را به ما معرفی می‌نماید. مطلب مهمی که در این بخش وجود دارد این است که دانستن آن پنج راز و

روش های کاربردی آنها در داشتن یک زندگی خوب، کافی نیستند. مسلماً، شما می‌دانید چیزی که افراد مختلف را از یکدیگر متمایز می‌کند میزان به کارگیری از پنج راز در زندگی است. همچنین در بخش چهارم این کتاب با لیستی از سوالات و بهترین پاسخ‌های ممکن به آنها روبرو خواهیم شد. به جرأت می‌توانم بگویم که اگر شما یک جمله از رهنمودهای ما را در مسیر زندگی خود به کار ببرید، به موفقیت حتمی دست خواهید یافت. تا جایی که قادر خواهید بود روش‌های کشف یک زندگی شاد را به دیگران نیز یاد دهید. سرانجام، در بخش آخر این کتاب درباره تغییراتی که نتایج تحقیقات من در زندگی افراد به وجود آورده‌اند، مطالبی را برایتان توضیح خواهم داد.

نگارش این کتاب با تکیه بر حقایق زندگی افراد مختلف آغاز شده است. اگر یک اصل برای شما غیرممکن و غیرواقعی باشد، مطمئناً اصل دیگر را با تمام وجود خواهید پذیرفت. به همین دلیل است که از شما می‌خواهیم در برابر مطالب مطرح شده در این کتاب کمی صبور باشید و تا اعلام نتیجه هر بخش تصمیم‌گیری نکنید. همه ما می‌دانیم که هر زندگی زیبایی و جذابیت خاص خود را دارد و فرصت‌های گوناگونی برای یادگیری به انسان می‌دهد. اما ما قصد داشتیم نتایج حاصل از گفته‌های افراد مورد آزمایش را در یک جمله خلاصه کنیم و به عنوان نتیجه‌ی تحقیقاتی به همگان اعلام نمایم. همچنین برای ثبت گفته‌های افراد نام کوچک آنها را مد نظر قرار دادیم تا در مراحل بعدی آزمایشات بتوانیم دوباره از آنها استفاده کنیم. پس از شروع

مصاحبات با جملات و ایده‌های مختلفی رو به رو شدیم. افرادی که دارای شرایط زندگی متفاوتی بودند، اظهارات یکسانی داشتند و افرادی که دارای شرایط مشابهی بودند، ایده‌های مختلف. اگر چه مطالب اصلی اظهارات آنها برای ما مهم بود(نه روش اظهار و نوع دیدگاه آنان نسبت به زندگی). برای سهولت در به خاطر سپردن جملات افراد، ما آنها را در فصل پایانی کتاب لیست کردیم و آن را با عنوان «بزرگترین رازهای زندگی» در یک جمله نام‌گذاری نمودیم.

در تحقیقات ارائه شده در این کتاب مهم نیست که افراد در چه سنی هستند. اما مخاطبان آن بیشتر جوانانی هستند که به کشف رازهای زندگی و معنا و مفهوم آن علاقه‌مند می‌باشند. امروزه اکثر افراد به ویژه جوانان به سایت‌های اینترنتی مراجعه می‌کنند تا نقاط مشترکی میان خود و دیگران بیابند. در حالی که بعضی‌ها تصور می‌کنند که آنها در حال اتلاف وقت خود هستند. اما آیا واقعاً این طور است؟

من امیدوارم که شما در طول مسیر زندگی خود آنچه را که می‌خواهید و انتظارش را می‌کشید به دست آورید و برای کسب اطلاعات بیشتر روی این بنده‌ی حقیر حساب کنید. اما بدانید که دانایی با بالا رفتن سن به دست نمی‌آید. بلکه شما در هر سن و در هر شرایطی از زندگی می‌توانید آن را بدست آورید.

قابل ذکر است که این کتاب برای خوانندگان میانسال مانند من که می‌خواهند قبل از آنکه فرصت از دست برود و دیر شود، به رازهای زندگانی پی ببرند، مناسب است و ما به شما توصیه می‌کنیم که بدون توجه به سن و موقعیت به مطالعه‌ی دقیق این کتاب بپردازید. اگر

شما سال‌های زیادی از زندگی‌تان را گذرانده‌اید، اما هنوز هم دوست دارید انعکاس سال‌ها زندگی را در امروز ببینید، باز هم دیر نشده است و وقت باقی است. من با انتخاب عنوان این کتاب، قصد ندارم که کسی را بترسانم و یا شما را به یاد سال‌های از دست رفته عمرتان بیندازم، بلکه می‌خواهم بگویم که وقت تنگ است و مبادا قبل از مرگ از رازهای زندگی غافل شویم و با ناآگاهی از آنها زندگی را به پایان برسانیم و به جهانی دیگر برویم. تنها ایده‌ی من از انتخاب عنوان این کتاب، کشف و دستیابی به رازهای زندگی است. از هم‌اکنون تا پایان کتاب به شما ثابت خواهم کرد که قصد و نیت من از انجام تحقیقات گوناگون و نگارش این کتاب همین بود است.

نکته‌ی جالب توجه این است که واژه‌ی «قبل از مرگ» در عنوان کتاب یادآور کمبود وقت است که یکی از عناصر کلیدی در انجام تحقیقاتم می‌باشد. هنگامی که می‌خواستم نگارش این کتاب را آغاز کنم تصمیم داشتم نام «مرگ» را برای آن انتخاب کنم، اما پس از انجام آزمایشات و دسترسی به اطلاعات گوناگون متوجه شدم که این نام کوچک اما پرمعنا می‌تواند ذهن خوانندگان را درگیر کند و حتی آنها را برنجانند. از این رو تصمیم گرفتم که با به کار بردن این نام در کنار نام‌های دیگر یک عنوان کلی را برای کتابم انتخاب کنم که جنبه‌های بیشتری از زندگی را در بر بگیرد. در حقیقت، جمله وقت تنگ است، تنها جمله‌ای بود که در هر مرحله‌ای از آزمایشات و مصاحبات از افراد می‌شنیدم از این رو خواستم که با معرفی کلمه مرگ به عنوان تنها پدیده‌ای که در هر زمانی اتفاق می‌افتد و وقت

کافی برای شناختن آن نیست، ذهن خوانندگان را برای یادگیری و رویارویی با مسائل مختلف زندگی آماده کنم.

اگر چه هنگام شنیدن سخنان مصاحبه شونده‌گان چیزهای فراوانی از آنها یاد می‌گرفتم، اما اطلاعات زیادی را نیز در اختیار آنها قرار می‌دادم. در حال حاضر که نگارش این کتاب به پایان رسیده و اکنون در استان شماسست، حرف من این است که در زندگی چه چیزهایی وجود دارد که ما قبل از مرگ باید آنها را یاد بگیریم. با وجود اختلافات فراوان میان افراد و نوع زندگی آنها (سن، مذهب، فرهنگ، شغل، تحصیلات، وضعیت مالی و اقتصادی و...) بسیاری از رازها در زندگی آنها یکسان و مشابه هستند. در حقیقت، همین رازهای مشترک هستند که افرادی که فرسنگ‌ها دور از هم هستند را به یکدیگر پیوند می‌دهند. بنابراین من و دوستانم، اولیویا و لسلی تصمیم گرفتیم که برای دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر، پس از طرح سوال به پاسخ دهندگان فرصت دهیم که به آنها فکر کنند و پس از مرتب کردن ایده‌های ذهنی خود درباره آن حرف بزنند و نظر خود را اعلام کنند. از طرف دیگر در همان زمانی که افراد به سوالات ما فکر می‌کنند ما نیز فرصت داریم که سوالات بعدی مان را با توجه به عکس‌العمل افراد طرح کنیم.

سوالاتی که ما در این بخش مطرح کردیم، نظیر چه چیزی در زندگی شادی را برای ما به ارمغان می‌آورند؟ هدف ما از زندگی چیست؟ اگر در روز پایانی عمر از ما سوال شود که زندگی چیست واقعاً چگونه به آن جواب می‌دهیم؟ برای شناخت معنای واقعی زندگی

منتظر هستید که با چه مسائلی روبرو شوید؟ من به عنوان نویسنده کتاب از شما انتظار دارم که هنگام مطرح شدن یک سوال خودتان نیز به آن پاسخ دهید تا با مطالب این کتاب همگام شوید.

پدر بزرگ من تنها فرد که نسل خانواده مان بود. همه افراد خانواده ام می گفتند که پدر بزرگ داناترین فردی است که در کنار ما زندگی می کند. او سال ها است که معنا و مفهوم خوشی ها و تلخی ها را در زندگی درک کرده و با افراد زیادی ارتباط داشته است. چون پدر بزرگ من صاحب سه فرزند دختر بود همیشه از داشتن یک پسر، به عنوان یکی از آرزوهای دیرینه اش یاد می کرد.

مادر من می گفت: هنگامی که من به دنیا آمدم، پدر بزرگ گفت: جان پسری است که من یک عمر در حسرت داشتن آن زندگی کرده ام. اما حالا می خواهم همه ی درس هایی را که از زندگی ام آموخته ام به او یاد دهم. پس از آنکه من پسر جوانی شدم، پدر بزرگ در اثر یک سکتای قلبی از دنیا رفت و من هرگز نتوانستم سوالاتی که در تحقیقاتم هستند را از او بپرسم اما هنوز هم خوشحالم که به جای پدر بزرگ میلیون ها نفر هستند که به سوالات من پاسخ می دهند. هنگامی که تحقیقاتم را با موفقیت به پایان رساندم صدای آفرین پدر بزرگ را با تبسمی که بر لب داشت شنیدم.

این کتاب دارای مطالب ارزشمند و کلیدی فراوانی است. به عنوان مثال، چرا ما نباید منتظر بمانیم تا حقایق و رازهای زندگی خودشان را به ما نشان بدهند؟ چرا بعضی ها تصور می کنند که با افزایش سن،

دانایی افراد هم زیاد می‌شود؟ آیا با دستیابی به رازهای زندگانی به موفقیت نهایی دست خواهیم یافت؟...

یکی از افرادی که در تحقیقاتم از او استفاده کردم، آقای کهنسالی بود که به من گفت: اگر شما یک روز زودتر به حقیقت زندگی دست پیدا کنید، امروز خود را شادتر از فردای خود کرده‌اید و این نتیجه دانایی شماست.

به عقیده‌ی من شما با مطالعه‌ی اولین فصل کتاب سوار بر کشتی من می‌شوید و در طول سفر دریایی با رازهای فراوانی روبرو خواهید شد که شاید در هیچ سفری که در زندگیتان رفته‌اید، به آنها دست نیافته باشید. این رازها خیلی از مسائل و موضوعات زندگی مرا تغییر داده اند و آرزو دارم که بسیاری از چیزها در زندگی شما را نیز تغییر دهند و شما را به سعادت و خوشبختی واقعی برسانند.

نویسنده کتاب

جان ایزو